



## مطالعه تطبیقی الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی در بستر شاخص‌های توسعه اجتماعی

شکیب ضربی قلعه حمامی<sup>۱</sup>، فاطمه مصطفائی نیا<sup>۲</sup>

### چکیده

توسعه و پیشرفت از دغدغه‌های اصلی هر کشوری است که می‌تواند در قالب سند و یا الگویی برای نهادهای ذیربط ابلاغ شود. نظر به اهمیت نگاه توسعه‌محور در امر سیاست‌گذاری، نظام جمهوری اسلام ایران نیز با طرح سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که به عنوان سند توسعه و پیشرفت ایران در سال‌های آینده ذیل مبانی نظری سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و اسلامی تدوین شده است، در صدد تحقق اهداف پیشرفت و توسعه برآمده است. این پژوهش ذیل یک مطالعه تطبیقی، میزان انطباق مقولات استخراج شده از سند الگوی پیشرفت با شاخص‌های توسعه اجتماعی (ISD) را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. یافته‌های این پژوهش به ما می‌گوید که بیشترین میزان انطباق مقولات این سند با شاخص‌های فعالیت مدنی و باشگاه‌ها و انجمن‌ها و کمترین میزان انطباق نیز با شاخص‌های برابری جنسیتی و شمول اقلیت‌ها می‌باشد. نظر به یافته‌های این پژوهش بنظر می‌رسد علیرغم اهمیتی که در سند الگوی پیشرفت به شاخص‌هایی مانند فعالیت مدنی و باشگاه‌ها و انجمن‌ها شده است، اما در واقعیت بستر لازم برای فعالیت آزادانه کنشگران مدنی فراهم نمی‌باشد. ضمن اینکه عدم پردازش لازم به شاخص‌هایی مانند برابری جنسیتی و شمول اقلیت‌ها، نیاز به اصلاح و تعدیل نگاه جنسیتی و تبعیض‌آمیز این سند را بوضوح نشان می‌دهد.

### واژگان کلیدی:

الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی، توسعه اجتماعی، فعالیت مدنی، مطالعه تطبیقی

۳۱

دوره ۱۲، شماره ۳، پیاپی ۳۱  
پاییز ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳-۰۳-۱۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳-۰۹-۲۴

صص: ۲۲۸-۲۱۳

شابا چاپی: ۵۵۹۹-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

بررسی صحت گواهی در:  
JOURNALS.MSRT.IR

۱. کارشناس ارشد، جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران،

(نویسنده مسئول) shakibzarbi81998@gmail.com

۲. کارشناس ارشد، جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران



## مقدمه و بیان مسئله

توسعه و پیشرفت کشور مسئله‌ای است که همه دولت‌ها به دنبال دستیابی و تحقق آن هستند. ازین‌رو، رسیدن به این پیشرفت و رشد در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، علمی و سیاسی نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدتی است که لازمه آن داشتن الگوی مناسب است (کشتکار و رحمدل، ۱۳۹۶: ۱۴۱). ایران در بین کشورهای خاورمیانه پیشینه‌ای نسبتاً طولانی از برنامه‌ریزی برای توسعه اقتصادی دارد و از لحاظ تاریخی چهارمین کشور جهان - پس از آلمان (۱۹۳۳)، فرانسه و ژاپن (۱۹۴۷) - است که به برنامه‌ریزی توسعه پرداخته است (مختاریان‌پور، ۱۳۹۵: ۱۱). تا زمان انقلاب در سال ۱۳۵۷، پنج برنامه توسعه با مدت‌های گوناگون در ایران در یک بازه سی ساله پیاده شد؛ و پیش از این تلاش‌ها برای برنامه‌ریزی انواع کمتر رسمی مداخله دولت در اقتصاد مختلط دولتی و خصوصی این کشور صورت گرفته است. نظر به تفاوت در شرایط زمانی و مکانی هر کشور و همین‌طور مبتنی بودن بر مبانی فلسفی و معرفتی متفاوت، لازم است که الگویی متناسب با جامعه با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی ایران طراحی شود. لذا مسئولان و مدیران ارشد کشور تصمیم گرفتند که الگوی پیشرفت را بر اساس زیست‌بوم ایران تدوین کنند. اگرچه تجربه نشان داده است که برای پیشرفت و رشد کشور در ابعاد مختلف، تقلید از الگوهای غربی و غربی‌بومی، جوابگوی نیازهای جامعه ایران نیست، اما با توجه به اینکه پیشرفت و توسعه در هر کشوری، جز در قالب مشخص و چارچوب مدون و علمی میسر نیست بنابراین ضروری است که این برنامه‌ریزی هدفمند - در صورت بومی‌سازی نیز - مطابق با اصول و شاخص‌های توسعه که مورد پذیرش بین‌المللی است، باشد.

طراحان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مدعی هستند که با نگاه به شرایط تاریخی و جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی و با تکیه بر مفاهیم و معارف اسلامی، ارزش‌های ملی و راهکارهای بومی، در پی ارائه الگویی مناسب برای توسعه جامعه ایران هستند. اعتقاد آن‌ها بر این است که با طراحی مدلی متفاوت و متمایز با الگوهای رایج توسعه و بر مبنای اصول و ارزش‌های جامعه و متناسب با شرایط و امکانات و نیازهای آن و با به‌کارگیری ابتکار و تفکر اسلامی و ایرانی در کنار بهره‌گیری از محتوا و منابع غنی اسلامی و الهی، می‌توان فرایند توسعه را در عرصه‌های گوناگون از جمله فکر، علم، زندگی و معنویت به صورت راهبردی در بستر نظام جمهوری اسلامی، پیاده‌سازی کرد (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۸).

اگرچه در گفتمان جمهوری اسلامی، اصطلاح پیشرفت به دلیل نگاه تمام شمولش به وجوه مادی و معنوی زندگی بشر به اصطلاح توسعه ترجیح داده شده است، اما بین این دو مفهوم رابطه تضامن برقرار است. آنچه که امروزه در دنیا تحت عنوان توسعه مطرح است، در زمینه‌های مختلف تعریف شده و با شاخص‌های متعددی نیز سنجش می‌شوند.

توسعه اجتماعی که می‌توان گفت دربرگیرنده‌ی اقسام دیگر توسعه مانند توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... نیز می‌شود، در طول سالیان گذشته با شاخص‌های متعددی ارزیابی شده است که معتبرترین آن‌ها، شاخص‌هایی که توسط موسسه مطالعات اجتماعی تحت عنوان شاخص‌های توسعه اجتماعی<sup>۱</sup> (ISD) مطرح شده است.

## اهداف و سؤالات

این پژوهش در پی تحلیل تطبیقی محتوای سند الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی بر اساس شاخص‌های توسعه اجتماعی مطرح شده از سوی نهاد ISD می‌باشد. آنچه این پژوهش در پی پاسخ به آن است، درک میزان پردازش و انطباقی است که در بین مقولات مستخرج از سند الگوی ایرانی اسلامی و مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه اجتماعی مشاهده می‌شود.

1 - ISD: Indices of Social Development



## پیشینه پژوهش

علی پور و پوررشیدی (۱۳۹۸) پژوهشی تحت عنوان «تحلیل گفتمان سند اولیه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» به روش تحلیل گفتمان ارنستو لاکلا و شانتال موف انجام داده‌اند. براساس مفصل‌بندی صورت گرفته، تمامی دال‌های پیرامونی حول محور دال مرکزی اسلام با توجه به ارتباط عمیق دینی در متن اولیه سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت طراحی شده است و عملاً زمینه‌های اسلامی در این سند به خوبی مشهود است. این سند به برخی حوزه‌ها نظیر حقوق اقوام و اقلیت‌ها (مذهبی و قومیتی)، فرهنگ محلی و سنن محلی و نیز مباحث اقتصادی، آموزش عمومی و پایه‌ای به صورت کم‌رنگ توجه کرده و به نحو مطلوبی به این مقولات پرداخته است. از سوی دیگر، به رغم پرداختن به جنبه‌های اسلامی موضوع، جنبه‌های ایرانی به خوبی مشهود نیست. همچنین در این سند به طور کامل به خواسته‌ها و دغدغه‌های مردم به ویژه در مقوله اقتصادی توجه نشده است. در نتیجه، گفتمان حاکم بر این سند به رغم توجه وافر به عناصر و مبانی اسلامی و انقلابی، با گفتمان‌های حاکم بر جامعه سازگاری کامل ندارد.

مصطفوی (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل محتوای پیش‌نویس سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با معیار برخی شاخص‌های اقتصاد اسلامی در مقایسه با قانون اساسی» دریافت است که استفاده از واژه‌های اقتصاد اسلامی در اسناد، لزوماً اجرای آن را به سمت اسلامی‌تر شدن نمی‌برد. در سند پیشنهادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به طور نسبی، به عدالت و محرومیت، سرمایه اجتماعی که در قانون اساسی اصلاً به کار نرفته، مشارکت، مقابله با ربا، سلامت، تعلیم و تربیت، تأمین اجتماعی و تکافل عمومی، محیط زیست، امنیت، ثبات و آرامش توجه شده است. همچنین به واژه‌های مرتبط با حقوق (انسانی، فردی، اقتصادی و...) قانون و مسئولیت‌پذیری در سند پیشنهادی الگو نسبت به قانون اساسی کم‌توجهی شده است. واژه فساد، در سند الگو فقط یک بار کار رفته و واژه‌های رشوه، اختلاس، استثمار، انحصار و سوء استفاده دولتی، همچنین واژه‌های مقابله با اسراف و اضرار به غیر، مقابله با تبذیر، مقابله با تعرض به مال، اشتغال، بیکاری، بیمه، مقابله با آلودگی و تخریب محیط زیست در سند پیشنهادی الگو اصلاً مشاهده نمی‌شود. با توجه به نقض حقوق دیگران، قانون شکنی، بی‌مسئولیتی و عدم پاسخگویی، فساد گسترده و سیستماتیک شامل رشوه، اختلاس، انحصار در اعطای مجوزها، پیمانکاری‌ها و...، اسراف و تبذیر در مصارف کالاهای کمیاب (مانند آب)، تعرض به مال، بیکاری، آلودگی و تخریب محیط زیست در کشورمان، تدوین کنندگان سند پیشنهادی الگو در این موارد، بی‌توجهی و کم‌کاری کرده‌اند.

صالحی (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» ابراز کرده است که برای دستیابی به پیشرفت، باید شاخصه‌های مثبت توسعه را شناخت و آن‌ها را برای تحقق اهداف به کار برد. با اینکه حرکت به سوی دستیابی و تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت آغاز شده است، لکن بدیهی است که طراحی این الگو سختی‌ها و مشکلات خاص بنیانگذاری یک تئوری جدید کاربردی در اداره کشور را دارا می‌باشد و مشارکت فعال همه نخبگان را می‌طلبد.

## تعریف مفاهیم

### سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، سندی بالادستی است که از سوی نهاد رهبری، با هدف تبدیل ایران به خاستگاه «تمدن نوین اسلامی-ایرانی» در مهر ۱۳۹۷ به نهادها و دستگاه‌های این کشور ابلاغ شده است. نسخه اولیه این الگو طی هفت سال و با کار «چند هزار تن از صاحب‌نظران و استادان دانشگاهی و حوزوی و فرزندان جوان» تدوین شده است. این الگو بخشی از مرحله‌های



پنج‌گانه «انقلاب اسلامی، حکومت اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی» و «تحقق آرمان مهدویت» است. «تمدن نوین اسلامی-ایرانی» مرحله آخر از این مراحل است.

### توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی در کنار مفاهیمی چون نظم اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تعلق اجتماعی و اعتماد اجتماعی معنا می‌یابد. توسعه اجتماعی از دیدگاه‌های متفاوت معناهای مختلفی را داراست، از جمله گذر از جامعه سنتی به صنعتی یا مدرن از طریق تقسیم کار که در نظر دورکیم مطرح بود و دیگرانی که آن را به معنی سرمایه اجتماعی، هویت انسانی، عقلانیت ارتباطی، اعتماد، انسان بودن و غیره می‌گرفتند. در ایران این مفهوم با شاخص‌های هویت و اعتماد اجتماعی بیشتر مدنظر بوده است. توسعه اجتماعی هسته اصلی نیازها و آمال «مردم سرا سر جهان»، «هسته اصلی نیازها و آمال دولت‌ها»، و هسته اصلی نیازها و آمال کلیه بخش‌های «جامعه مدنی» را تشکیل می‌دهد. به لحاظ اقتصادی و اجتماعی، پربازده‌ترین سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها آن‌هایی هستند که به مردم بیشترین فرصت را در بهره‌گرفتن از توانایی‌ها، منابع و موقعیت‌ها می‌دهند. براساس آخرین تعاریف سازمان ملل، «توسعه اجتماعی» فرایندی از تغییرات است که منجر به بهبود در «بهره‌زیستن» و «روابط اجتماعی» می‌شود که منصفانه‌تر و سازگارتر با اصول حکومت دموکراتیک و عادلانه است. توسعه اجتماعی شامل هم دستاوردهای مادی مانند سلامت، آموزش و پرورش مناسب، دسترسی پدیدار به منابع، کالاها و خدمات برای زندگی مناسب در یک محیط قلیل‌پذیرش و هم دستاوردهای غیرمادی با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مانند حس کرامت، امنیت و شمول اجتماعی و دستاوردهای سیاسی مربوط به فعالیت، مشارکت و بازنمایی است. (موسسه مطالعات توسعه اجتماعی سازمان ملل، ۲۰۱۶). «توسعه اجتماعی» در پی ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه است که برای تحقق چنین بهبودی در پی تغییر در الگوهای دست و پاگیر و زاید رفتاری، شناختن و روی آوردن به یک نگرش، آرمان و اعتقاد مطلوب‌تری است که بتواند پاسخگویی مشکلات اجتماعی باشد. توسعه اجتماعی در قیاس با مفاهیمی چون توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی حوزه وسیع‌تری را در برمی‌گیرد. (ازکیا، ۱۳۷۹)

در تعاریف عام، توسعه اجتماعی به مثابه‌ی یک کلیت در نظر گرفته شده است که دارای ابعاد مختلفی بوده و برای سنجش این مفهوم نیاز به سنجش تمامی ابعاد زیر مجموعه آن هست. استس<sup>۱</sup> با تأکید بر دو بعد اقتصاد و آزادی، توسعه اجتماعی را حوزه‌ای میان رشته‌ای و میان بخشی دانسته است که در جستجوی بهبود رفاه مادی و اجتماعی مردم در همه‌ی سطوح جامعه است. این تعریف به طور ضمنی بیان‌کننده‌ی دو نکته است. اول، تأمین رضایت مردم در سطح حداقل نیازهای اساسی از راه تأمین آن نیازها و دوم، افزایش سطح آزادی که با رشته انتخاب‌هایی که مردم می‌توانند داشته باشند، اندازه‌گیری می‌شود. به زعم استس، اهداف توسعه اجتماعی از طریق مشارکت مردم تا بالاترین حد ممکن در تعیین اهداف و نتایج توسعه تعقیب می‌شوند (استس، ۲۰۰۱ به نقل از فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۹).

ورود مفهوم سرمایه اجتماعی به تعاریف ارائه شده از توسعه اجتماعی علاوه بر گسترش ابعاد آن یکی از مهمترین شرایط دست‌یابی به توسعه اجتماعی را مورد تأکید قرار داده است. جوزف استیگلتز<sup>۲</sup> با تأکید بر این بعد، توسعه اجتماعی را توانایی هر جامعه برای حل صلح‌آمیز تضادها و پیوند منابع و علائق مشترک، به هنگام اختلاف منافع دانسته است و بر سرمایه اجتماعی و اعتماد در تسهیل معامله‌ی متقابل به عنوان عناصر مهم توسعه اجتماعی تأکید دارد (Stiglitz, 2002).

1 - States  
2 - Stiglitz



سازمان ها و مؤسسات بین المللی فعال در حوزهی توسعه نیز تعاریف خاص خود را از این مفهوم ارائه کرده اند که بر مبنای این تعاریف، گزارش های سالیانه خود را تهیه می کنند. در این زمینه بانک جهانی در تعریف توسعه اجتماعی بر دگرگونی ساختاری در زمینهی افزایش انسجام اجتماع و پاس خگو کردن کارگزاران و سازمان های صاحب قدرت تأکید کرده است. (بانک جهانی، ۲۰۰۲)

با در نظر داشتن تعاریف خاص ارائه شده در زمینهی توسعه اجتماعی که به بخشی از آنها اشاره شد؛ می توان ابعاد مفهوم توسعه اجتماعی را به صورت زیر بر شمرد:

- توجه و تأکید بر شاخص های مختلف اجتماعی از قبیل اعتماد، ادغام و انسجام اجتماعی که می توان آنها را ذیل مفهوم سرمایهی اجتماعی قرار داد؛
- توجه و تأکید بر عوامل و پیامدهای زیست محیطی؛
- توجه به آزادی های فردی و اجتماعی، رفع تبعیضات جنسی و امنیت در پدید آوردن زمینه ای با ثبات برای توسعه؛
- توجه به شاخص های اقتصادی؛
- در نظر داشتن اهدافی چون، پاسخگو کردن کارگزاران، امکانات و سازمان های صاحب قدرت؛
- ارزیابی پیامدها و دستاوردهای توسعه بر حسب تأمین نیازهای فردی و اجتماعی انسان ها؛
- مشارکت مردم در برنامه ریزی، تأمین منابع، اجرا و ارزیابی طرح های توسعه ای (غالباً با عاملیت سازمان های غیردولتی، سازمان های جامعهی مدنی و سازمان های مبتنی بر اجتماعات محلی)؛ (اکبری، ۱۳۹۰).

### شاخص های مختلف توسعه اجتماعی

به لحاظ تاریخی، اولین سند مهم سازمان ملل متحد در باب توسعه اجتماعی مربوط به گزارش سال ۱۹۵۴ است. گروهی از کارشناسان دربارهی تعریف بین المللی و سنجش معیارها و سطوح توسعه اجتماعی که در آن زمان سطوح زندگی نامگذاری شده بود، گزارش مفصلی را تهیه کرده بودند. شاخص های این گزارش عبارت بودند از بهداشت، شرایط جمعیت شناختی، غذا و تغذیه، آموزش و پرورش، مواد و مهارت آموزی، شرایط کار، وضعیت اشتغال، مصرف کل پس اندازها، حمل و نقل، مسکن شامل تسهیلات خانگی، پوشاک، تفریح و استراحت، امنیت اجتماعی، آزادی های بشری (زاهدی، ۱۳۸۶).

انتشار سلسله گزارش های سالانهی توسعهی انسانی از سوی برنامهی عمران سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۰ مشخصاً موجب ارتقای رویکردهای عمومی به سنجش توسعه اجتماعی شد. بر پایهی روش های اعلام شده در این گزارش ها، اجزای شاخص توسعهی انسانی در برگیرندهی امید به زندگی به هنگام تولد، میزان با سواد بزرگسالان، نسبت ترکیبی ثبت نام در دوره های ابتدایی، متوسطه و دبیرستان و تولید ناخالص داخلی سرانه به دلار بر پایهی شاخص برابری توان خرید هستند. پس از برآورد شاخص های یاد شده، سه نماگر ترکیبی شامل طول عمر (امید به زندگی در بدو تولد)، سطح آموزش (میزان با سواد بزرگسالان با ضریب دو سوم و نیز میزان ثبت نام در کلیه مقاطع تحصیلی با ضریب یک سوم) و سطح معاش آبرومند (سرانهی تولید ناخالص داخلی بر حسب دلار) محاسبه می شود که شاخص توسعهی انسانی میانگین غیر وزنی این سه شاخص است.

مشخصاً یکی از مهم ترین نهادهای تخصصی ای که در ارتباط با بررسی وضعیت توسعه اجتماعی کشورها می توان به آن رجوع کرد که ابعاد مختلفی از مفهوم توسعه اجتماعی را مورد سنجش قرار داده است، مؤسسهی بین المللی مطالعات اجتماعی



(ISS)<sup>1</sup> است که گزارش‌هایی با عنوان شاخص‌های توسعه اجتماعی (ISD) ارائه می‌کند. در این گزارش‌ها، با بهره‌گیری از داده‌ها و منابع اطلاعاتی متنوع، سازه‌ی توسعه‌ی اجتماعی توسط ۲۰۰ شاخص جزئی مورد سنجش قرار گرفته است که در نهایت در قالب شش شاخص کلی زیر خلاصه می‌شوند:

(۱) فعالیت مدنی: کنشگری مدنی به هنجارها، سازمان‌ها و شیوه‌های اجتماعی اشاره دارد که مشارکت بیشتر شهروندان را در سیاست‌ها و تصمیمات عمومی تسهیل می‌کند. مواردی چون دسترسی به انجمن‌های مدنی، مشارکت در رسانه‌ها و ابزارهای مشارکت در فعالیت‌های مدنی مانند تظاهرات غیرخوشنونت‌آمیز ازین دست اقدامات تسهیل‌کننده است. کنشگری مدنی در حصول اطمینان از عملکرد نهادهای عمومی به شیوه‌ای پاسخگو و شفاف، با مشارکت و نمایندگی همگی ضروری است. دستیابی به حکمرانی پاسخگو نه تنها به نخبگان بلکه به شهروندان فعال نیز نیاز دارد و شهروندان فعال نیز به نوبه خود نیازمند مشارکت در انجمن‌های مدنی، محلی و بین‌المللی، دسترسی به رسانه‌ها و ابزارهای مشارکت در فعالیت‌هایی مانند تظاهرات بدون خشونت هستند. در جایی که فرهنگ مدنی مستحکمی مشتمل بر مشارکت سیاسی وجود دارد، کشورها به احتمال زیاد خدمات ارائه شده موثرتر، کاهش فساد و رشد اقتصادی سریع‌تر و عادلانه‌تری خواهند داشت. ISD قدرت فعالیت مدنی را با استفاده از داده‌های مربوط به میزان مشارکت در فعالیت‌های مدنی مانند امضای طومارها یا پیوستن به تظاهرات مسالمت‌آمیز، مطالعات سازمان‌دهی و اثربخشی جامعه مدنی، دسترسی به منابع اطلاعات رسانه‌ها، سطح آگاهی و اطلاعات مدنی می‌سنجد.

(۲) باشگاه‌ها و انجمن‌ها: پیوندهای اجتماعی اولین شبکه ایمنی فقرا است. در جایی که این پیوندها قوی است، افراد با تکیه بر حمایت دوستان، همسایگان و محله خود بهتر می‌توانند در برابر سختی‌های ناگهانی مقاومت کنند. در مواردی که این پیوندها ضعیف است، افراد در صورت فقر یا بلایای طبیعی در معرض خطر بیشتری از ناملایمات قرار دارند و شبکه‌های حمایتی کمتری برای تسهیل پیشرفت اقتصادی و اجتماعی دارند. تئوری‌های سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی بین سرمایه «پیوندی» - پیوند با افرادی که از نظر ویژگی‌های جمعیتی مشابه هستند مانند اعضای خانواده، همسایگان، دوستان نزدیک و همکاران - و سرمایه «پل»، یعنی روابط، تمایز قائل می‌شوند که با تسهیل حرکت رو به بالا در میان شکاف‌های اقتصادی، اجتماعی و منطقه‌ای خطوط عمودی را قطع می‌کند. معمولاً بر اهمیت پل زدن شبکه‌هایی که شکاف‌های اجتماعی را قطع می‌کنند، تأکید می‌شود، زیرا این شبکه‌ها امکان تحرک اجتماعی بیشتر و دسترسی گسترده‌تر به اطلاعات مهم را می‌دهند؛ اما برای بسیاری از مردم جهان پیوندهایی برای محافظت در برابر ناامنی اجتماعی، ارائه حفاظت ضروری، مدیریت ریسک و کارکردهای همبستگی ضروری است. پیوندهای اجتماعی، مانند پیوندهایی که در خانواده‌ها و جوامع محلی یافت می‌شود. آنها نقش مهمی در جلوگیری از فقر و طرد اجتماعی ایفا می‌کنند، با اطمینان از اینکه افرادی که در روزهای سخت قرار می‌گیرند، «از شکاف‌ها نمی‌افتند» - و همچنین تأمین رفاه افراد از طریق یک سیستم روابط اجتماعی و یک جامعه هویتی را تأمین می‌کنند. استحکام پیوندها با محله و زندگی انجمنی با گرفتن اطلاعات مربوط به عضویت در گروه‌های داوطلبانه محلی، زمان صرف شده برای معاشرت با اقوام و حضور در باشگاه‌های محلی و جلسات اجتماعی و مشارکت در انجمن‌های توسعه، اندازه‌گیری می‌شود.

(۳) انسجام بین‌گروهی: انسجام بین‌گروهی به روابط همکاری و احترام بین گروه‌های هویتی در یک جامعه اشاره دارد. زمانی که این همکاری از بین می‌رود، احتمال اعمال خصم‌آمیز مانند قتل با انگیزه‌های قومی یا مذهبی، ترور و آدم‌ربایی هدفمند،

1- ISS: International Institute of Social Studies



اعمال تروریستی مانند بمب‌گذاری عمومی یا تیراندازی یا شورش‌هایی که منجر به صدمات شدید به شهروندان می‌شود، وجود دارد که اثرات همزمان آن بر ر شد افراد خواهد بود. اینکه چگونه گروه‌های مختلف هویتی در کنار هم زندگی می‌کنند، همچنان یکی از سوالات اصلی جوامع بوده است. همه کشورها دارای تنوع هستند و در بسیاری از موارد نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی بین گروه‌ها، بر اساس هویت و نه تفاوت‌های اقتصادی وجود دارد. در حالی که اغلب گروه‌ها در روابط هماهنگ زندگی می‌کنند، بی‌اعتمادی و خصومت می‌تواند وجود داشته باشد یا اغلب در نتیجه بی‌سیاسی ظاهر شود. انسجام اجتماعی و درگیری کمتر از سطح نهادهای رسمی دولتی - البته در رابطه ضمنی با اهداف و نارضایتی‌های سیاسی بلندمدت - عمل می‌کند و می‌تواند طیف متنوعی از بازیگران مانند گروه‌های جنایتکار سازمان‌یافته، شبکه‌های تروریستی بین‌المللی و جنبش‌های برتری طلبانه قومی یا مذهبی را درگیر کند. انسجام بین گروهی با استفاده از داده‌های مربوط به نابرابری‌های بین گروهی، ادراکات تبعیض‌آمیز بودن و احساس بی‌اعتمادی نسبت به اعضای سایر گروه‌ها اندازه‌گیری می‌شود. **ISD** همچنین از داده‌های مربوط به تعداد حوادث گزارش شده شورش، اقدامات تروریستی، ترور و آدم‌ربایی استفاده می‌کند. رتبه‌بندی آن‌ها در مورد احتمال بی‌نظمی مدنی، تروریسم و بی‌ثباتی اجتماعی و سطوح درگیری در شورش‌های خشونت‌آمیز، اعتصابات و درگیری‌ها را پیرامون انسجام بین گروهی گزارش می‌کند.

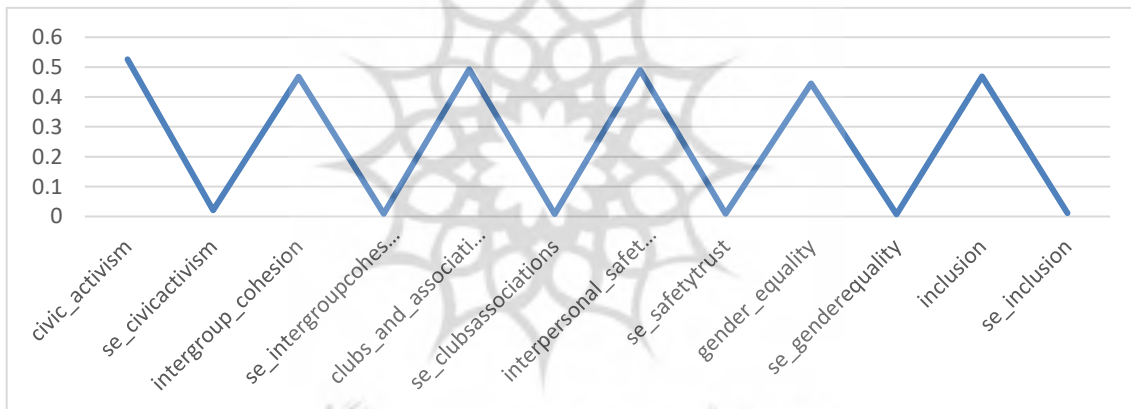
۴) اعتماد بین فردی: در واقع هنجارهای بین فردی، اعتماد و امنیت تا حدی باید وجود داشته باشد که افراد در یک جامعه احساس کنند می‌توانند به کسانی که قبلاً آنها را ملاقات نکرده‌اند، تکیه کنند. در جایی که چنین است، هزینه‌های سازمان اجتماعی و اقدام جمعی کاهش می‌یابد. در جایی که این هنجارها وجود نداشته باشد یا به مرور زمان از بین رفته باشند، تشکیل انجمن‌های گروهی و زندگی ایمن برای افراد دشوارتر می‌شود. مطالعات نشان داده است که جوامع با هنجارهای قابل اعتماد، ر شد اقتصادی سریع‌تری را تجربه می‌کنند، زندگی اجتماعی و مدنی متراکم‌تری دارند و نهادهای عمومی مؤثرتری دارند، در حالی که در جوامعی که مردم باید از نقض حقوق شخصی و دارایی‌شان هراس داشته باشند، نرخ‌های پایین‌تری وجود دارد. امنیت و اعتماد شخصی با استفاده از داده‌های مربوط به اعتماد عمومی اجتماعی از طیف گسترده‌ای از نظرسنجی‌ها، شاخص‌های قابل اعتماد بودن مانند سطوح گزارش شده قربانی شدن جرم، پاسخ‌های نظرسنجی درباره احساس امنیت و امنیت در همسایگی، داده‌های مربوط به وقوع قتل و همچنین گزارش‌های ارسالی در مورد احتمال حمله فیزیکی، اخاذی یا سرقت اندازه‌گیری می‌شود.

۵) برابری جنسیتی: برابری جنسی، به فرصت‌ها و محدودیت‌های یکسانی که زنان و مردان در خانواده، محل کار و به طور کلی جامعه مواجه هستند، اشاره می‌کند. در جایی که تبعیض جنسیتی کاهش یافته است، افراد بهتر می‌توانند پتانسیل خود را در زندگی به کار گیرند و از مهارت‌ها و قابلیت‌های خود نهایت استفاده را ببرند. برابری جنسیتی چند وجه دارد که هم با نگرش‌های اجتماعی - به عنوان مثال، هنجارهای انصاف در بین کارفرمایان، مریبان و همسران - و هم نتایج اجتماعی مانند حضور زنان در پست‌های مدیریتی، مریبان و قانون‌گذاران، حفظ می‌شود. **ISD** سطح برابری جنسیتی را با استفاده از طیف گسترده‌ای از شاخص‌های مکمل اندازه‌گیری می‌کند که شامل معیارهای نتیجه‌ای مانند دسترسی به مشاغل، موقعیت تحصیلی و دستمزد منصفانه و همچنین معیارهای ورودی است که وجود هنجارهای تبعیض‌آمیز در جامعه را در رابطه با زنان بررسی می‌کند. از آنجایی که تبعیض جنسیتی چندوجهی است، داده‌های



نگرشی نیز می‌تواند یک نماینده مفید برای تداوم اشکال گسترده‌تر تبعیض مانند خشونت خانگی که اطلاعات مقایسه‌ای در مورد آن کم یا اصلاً در اختیار نیست، باشد.

۶) شمول اقلیت‌ها: گنجاندن اقلیت‌ها، سطوح تبعیض علیه گروه‌های آسیب‌پذیر مانند مردم بومی، مهاجران، پناهندگان یا گروه‌های طبقه پایین را اندازه‌گیری می‌کند. این معیار بر این موضوع تمرکز دارد که آیا تعصب سیستماتیک در میان مدیران و اعضای جامعه در تخصیص مشاغل، مزایا و سایر منابع اجتماعی و اقتصادی در رابطه با گروه‌های اجتماعی خاص وجود دارد یا خیر. در حالی که ادبیات نظری بزرگی در مورد موضوع «تبعیض» به خودی خود وجود ندارد، ادبیات تجربی زیادی در مورد دسته‌بندی‌های خاص تبعیض وجود دارد، برای مثال در مواردی که این موضوع انگیزه‌های قومی یا نژادی دارد. از نظر مزایای رفاهی، رابطه بین گروه‌های هویتی در یک جامعه پیامدهای مهمی برای کارایی تخصیصی یک اقتصاد دارد، زیرا هنجارهای تبعیض خودسرانه با هدر دادن پتانسیل انسانی منجر به تخصیص منابع بهینه نمی‌شود. ISD با استفاده از شاخص‌هایی که مبتنی بر سنجش مستقیم نهادهای اجتماعی و نتایج آن‌ها و شاخص‌های مبتنی بر ادراک است، بر اساس ارزیابی‌های نظر سنجی‌های افکار عمومی، آژانس‌های خصوصی و سازمان‌های غیردولتی و معیارهای نیابتی برای اندازه‌گیری، میزان مشارکت اقلیت‌ها را اندازه‌گیری می‌کند.<sup>۱</sup>



نمودار شماره ۱ - وضعیت شاخص‌های اجتماعی ایران در سال ۲۰۲۰

با شناخت و درکی که از توسعه اجتماعی و شاخص‌های آن بدست آمد، اکنون می‌توان با نگاهی تطبیقی و انتقادی به مطالعه الگوی پیشرفت پرداخت. در واقع چالش‌های مرتبط با توسعه اجتماعی که در بطن سند الگوی پیشرفت قابل مطالعه است جز با شناخت و درک کامل مفهوم توسعه اجتماعی و سنجش‌های آن ممکن نیست.

### روش تحقیق

مطالعات تطبیقی، به بیان ساده، عملی برای مقایسه دو یا چند چیز با هدف کشف چیزی درباره یک یا همه چیزهایی است که با هم مقایسه می‌شوند. این روش اغلب در یک مطالعه از چندین رشته استفاده می‌کند (به بیانی دیگر این گروه از پژوهش‌ها، از دسته مطالعات میان رشته‌ای می‌باشد) و توافق اکثریت بر این است که هیچ متدلوژی مختص به مطالعات تطبیقی وجود ندارد.

1 - <https://isd.iss.nl>

2- <https://isd.iss.nl/data-access>



(Heidenheimer, Heclo & Adams 1983: 505). رویکرد مناسب در این رشته، رویکردی میان رشته‌ای و انعطاف‌پذیر

بوده با این حال نتایج حاصل از مطالعات تطبیقی در ارائه پاسخی منسجم و یکپارچه، قطعیت ندارد.

در مطالعات تطبیقی یقیناً روش‌هایی وجود دارد که بسیار مرسوم است. می‌توان چنین اظهار نمود در این روش، تجزیه و تحلیل کمی اطلاعات بیشتر از فاکتورهای کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد و در اغلب مطالعات تطبیقی داده‌های کمی به کار گرفته شده‌اند (Clasen 2004). به‌طور کلی، روش مقایسه در زندگی روزمره نیز به‌طور واضحی قابل ملاحظه است. در این صورت با موارد یک‌سان، برخوردی مشابه خواهیم داشت رفتار ما در موارد مختلف تفاوت دارد و این میزان تفاوت است که میزان تغییر رفتار را تعیین می‌کند.

این پژوهش متعاقباً از مضمون‌بندی حاصل از تحلیل گفتمان سند الگوی پیشرفت بهره برده است که به آن اشاره خواهد شد. در همین راستا اشاره‌ای گذرا به روش تحلیل گفتمان خواهد شد. در واقع تحلیل گفتمان (Discourse analysis) رویکردی برای تحلیل متن، صدا یا نشانه‌های زبانی و علائم بااهمیت پیرامون یک رویداد می‌باشد. گفتمان مجموعه‌ای از گزاره‌هایی است که یک مفهوم کلی را در بر می‌گیرد. پیشفرض‌ها و انگارش‌های تحلیل گفتمان که از برآیند قواعد تحلیل متن، هرمنوتیک، نشانه‌شناسی، مکتب انتقادی، مکتب‌سازی، روانکاوی مدرن و دیدگاه فوکو در دیرینه‌شناسی و تبارشناسی شکل گرفته، عبارت است از:

- متن یا گفتار واحد توسط انسان‌های مختلف، متفاوت نگریسته می‌شود.
  - خواندن (برداشت و تفسیر از متن) همیشه نادرست خواندن (برداشت نادرست از متن) است.
  - متن را باید به عنوان یک کل معنا دار نگریست و این معنا لزوماً در خود متن نیست.
  - هیچ متن خنثی یا بی‌طرفی وجود ندارد، متن‌ها بار ایدئولوژیک دارند.
  - حقیقت همیشه در خطر است. در هر گفتمانی حقیقت نهفته است اما هیچ گفتمانی دارای تمامی حقیقت نیست.
  - نحوه یا سینتکس متن نیز معنا دار است.
  - هر متنی به یک منبع قدرت یا اقتدار (نه لزوماً سیاسی) مرتبط است.
  - گفتمان سطوح و ابعاد متعدد دارد و یعنی نه یک سطح گفتمانی وجود دارد و نه یک نوع گفتمان
- در گام نخست بر این دلالت دارد که انسان‌های مختلف از متن واحد برداشت یکسان و واحدی ندارند. دالی متفاوت می‌تواند برای اشاره به مدلولی ظاهراً یکسان استفاده شود (یحیایی، ۱۳۹۰).

## تحلیل یافته‌ها

### تحلیل گفتمان محتوای سند الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت

سند اولیه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان سند توسعه و پیشرفت ایران در دهه‌های آینده با الهام از مبانی نظری سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و اسلامی در صدد تحقق اهداف پیشرفت و توسعه است. از آنجایی که موفقیت هر ایده و برنامه‌ای به سازگاری گفتمان حاکم بر آن با گفتمان‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه بستگی دارد، تحلیل گفتمان این سند به عنوان یکی از روش‌های کیفی، کمک می‌کند با عبور از متن به فرامتن، بتوان گفتمان مسلط در این سند را بررسی و تحلیل و میزان انطباق آن با نیازها و خواسته‌های جامعه را مشخص نمود (علی‌پور و رشیدی، ۱۳۹۸).



پس از بررسی و موشکافی هر شش بخش این سند به عنوان یک کل معنادار، ۹۴ کد به عنوان مقوله بر اساس تحلیل محتوای کیفی تعریف و در متن مصادیق آن تعیین و کدگذاری شد. همچنین در این چارچوب، ۸ مضمون به شرح زیر تعریف و ۹۴ مقوله به عنوان زیر مجموعه‌های هر یک از مضامین هشتگانه تعریف شد:

الف) مبانی اسلامی: ۱- اصول اسلامی ۲- خدمت به بشریت ۳- مبانی فلسفه اسلامی ۴- فطرت بشری ۵- کمال‌گرایی و پیشرفت ۶- جهان شمول بودن آموزه‌های اسلامی ۷- هدایت اسلامی و الهی ۸- کمال و سعادت اختیاری ۹- معنویت ۱۰- حیات بشری ۱۱- تجرد (فراتر از زمان و مکان بودن آموزه‌های اسلامی) ۱۲- اسلامیت ۱۳- پرهیز از اهانتهای مقدسات مذاهب اسلامی ۱۴- فطرت کمال‌گرایی بشری ۱۵- پیروی از قرآن، معصومین و سنت آنها ۱۶- حیات طیبه ۱۷- اهمیت نفس و اراده انسان ۱۸- دینداری ۱۹- مقام خلیفه الهی انسان ۲۰- توان اسلام برای تمدن‌سازی و الگو شدن ۲۱- اسلام دین کامل و جهان شمول و نهایه ۲۲- مهدویت‌گرایی ۲۳- سنن الهی ۲۴- کمال و سعادت اخروی ۲۵- جهان بینی اسلامی ۲۶- آزادی دینی ۲۷- زینت معنوی و اخلاقی ۲۸- نقش ظلم در زوال جوامع ۲۹- نقش تقوا در وفور نعمت.

ب) مبانی انقلابی: ۱- ارزش‌های انقلاب اسلامی ۲- میراث انقلاب اسلامی ۳- پاسدار ارزش‌های اسلامی- انقلابی.

پ) مبانی اجتماعی: ۱- بعد اجتماعی از سان ۲- بعد ارادی توان از سان ۳- تحکیم بنیاد خانواده و خانواده محوری ۴- بعد مادی حیات انسان ۵- توسعه سلامت ۶- سبک زندگی ایرانی ۷- توسعه برابری و عدالت ۸- مقتضیات اجتماعی ۹- تنظیم نرخ باروری ۱۰- افزایش سرمایه اجتماعی ۱۱- اعتلای منزلت و جایگاه زنان ۱۲- جلوگیری از بروز تعارضات ۱۳- مناسبات اجتماعی دینی ۱۴- ارتقای منزلت اجتماعی معلمان و استادان ۱۵- عدالت بین نسلی ۱۶- آزادی همراه با مسئولیت ۱۷- تعاملات بشری و مشارکت جمعی ۱۸- احساس امنیت، آرامش، آسایش، سلامت و امید به زندگی.

ت) مبانی فرهنگی: ۱- شرایط روز جامعه و جامعه جهانی ۲- میراث فرهنگی ۳- احیای نمادهای اسلامی ایرانی ۴- فرهنگ به مثابه هویت و روح جامعه.

ث) مبانی علمی: ۱- اهمیت علم و اندیشه ۲- تأکید بر نقش علم ۳- مبانی عقلانی ۴- توسعه آموزش و پژوهش ۵- مقتضیات علمی ۶- حل علمی مسائل و رفع نیازها ۷- تعاملات و همکاری علمی بین‌المللی ۸- دانش‌افزایی ۹- توسعه علوم میان رشته‌ای ۱۰- تولید علوم انسانی اسلامی ۱۱- پیش‌فرض‌های علمی جهان‌شمول فلسفی ۱۲- تجارب علمی بشری و خردورزی ۱۳- آگاهی (دسترسی به اطلاعات).

ج) مبانی حقوقی: ۱- حقوق بشر و حقوق انسانی ۲- بعد قانونی ۳- نظارت بر عملکرد قضات و کارکنان قضایی ۴- اصلاح و الکترونیکی کردن فرآیندهای دادرسی ۵- جذب قضات عالم و متعهد ۶- اعتلای حقوق زنان ۷- مراجعه به آرای عمومی ۸- دادرسی عادلانه ۹- قوانین تکوینی ۱۰- فقه اسلامی.

ح) مبانی سیاسی: ۱- آزادی‌خواهی ۲- همسویی با تحولات جهانی ۳- گسترش مشارکت مردمی ۴- تحکیم ساختار درونی نظام ۵- شفاف‌سازی منابع و هزینه‌های مالی فعالیت‌های سیاستمداران ۶- جلوگیری از بروز تعارضات ۷- مشارکت آزادانه ۸- احساس امنیت ۹- هویت ملی ۱۰- میثاق مشترک مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۱- حق تعیین سرنوشت ۱۲- آزادی همراه با مسئولیت.



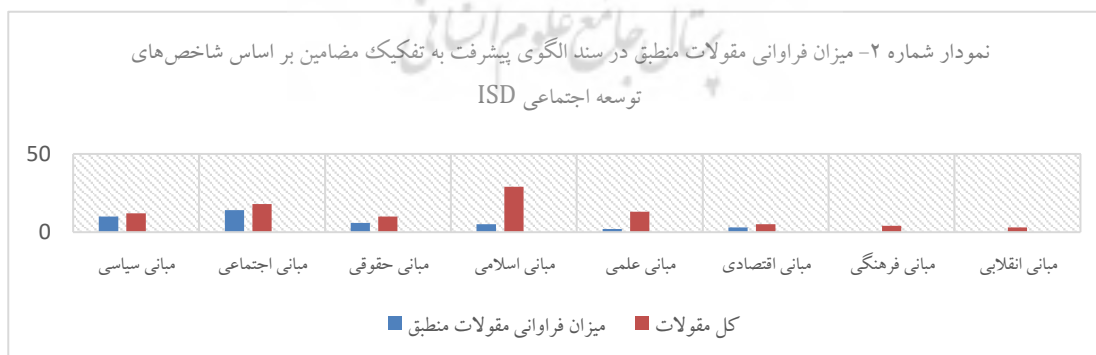
خ) مبانی اقتصادی: ۱- حفاظت از محیط زیست ۲- مبانی ملی و بومی اقتصادی ۳- شغل مناسب ۴- عدالت مالیاتی ۵- ریشه کنی فقر، فساد و تبعیض.

پس از مقوله بندی و مفهوم سازی، دال‌های اصلی و پیرامونی مشخص گردیده و بر اساس آنها گفتمان مسلط بر سند اولیه الگو مفصل بندی شده تا مطابق با اهداف تحقیق به پرسش‌ها پاسخ داده شود. دال مرکزی سند اولیه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، اسلام است؛ چرا که محور اصلی تمام بخش‌های این سند، از این مقوله سرچشمه گرفته است. از سوی دیگر، پرداختن به مقوله اسلام به عنوان اساس و رکن حکومتی جمهوری اسلامی، موجب شد که اسلام به عنوان دال مرکزی آن تعریف شود. همچنین از میان ۹۴ مقوله مذکور، هشت مقوله به عنوان دال‌های پیرامونی سند اولیه الگو مشخص شدند. پس از بررسی دقیق ۹۴ مقوله کدگذاری شده و ۸ مضمون تعریف شده و انطباق مفاهیم و مضمون‌های مذکور با نصوص، تعالیم و آموزه‌های اسلامی و ایرانی، در نهایت دال مرکزی این سند، اسلام تعیین گردید و هشت دال پیرامونی یعنی کمال‌گرایی و آخرت‌گرایی (فرجام‌شناسی) از مبانی اسلامی، عدالت اجتماعی و سرمایه اجتماعی از مبانی اجتماعی، علوم از سانی با تأکید بر رویکرد اسلامی از مبانی علمی، مردم سالاری و نقش مردم از مبانی سیاسی، عدالت قضایی از مبانی حقوقی و عدالت مالیاتی از مبانی اقتصادی برای مفصل بندی سند اولیه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت احصا شدند (علی‌پور و رشیدی، ۱۳۹۸).

جدول شماره ۱: مقوله‌ها و مبانی گفتمان سند اولیه الگو

مقوله‌ها	مبانی اسلامی	مبانی انقلابی	مبانی اجتماعی	مبانی فرهنگی	مبانی علمی	مبانی حقوقی	مبانی سیاسی	مبانی اقتصادی	جمع
تعداد	۲۹	۳	۱۸	۲	۱۳	۱۰	۱۲	۵	۹۴
درصد	۳۰.۸۵	۳.۱۹	۱۹.۱۴	۲.۲۵	۱۳.۸۲	۱۰.۶۳	۱۲.۷۶	۵.۳۱	۱۰۰

همانطور که در نمودار شماره ۱ نیز مشاهده می‌کنید، بیشترین میزان انطباق با شاخص‌های توسعه اجتماعی ISD در بین مقولات مضمون مبانی اجتماعی و سیاسی مشاهده می‌شود و همچنین کمترین میزان پردازش به شاخص‌های توسعه در مقولات مضامین مبانی انقلابی و فرهنگی به چشم می‌خورد.



همچنین مبانی اسلامی که با ۲۹ مقوله، دارای بیشترین مقولات در بین تمامی مبانی سند الگوی پیشرفت است، تنها ۵ واحد منطبق با شاخص‌های توسعه دارد که بیانگر این نکته است که در تدوین مبانی اسلامی سند الگوی پیشرفت که به موارد زیادی



اشاره شده ، توجه چندان زیادی به شاخص‌های توسعه اجتماعی مبذول نشده است. از طرفی اشارات روشنی که در مقولات مبانی سیاسی به شاخص‌هایی مانند فعالیت مدنی و باشگاه‌ها و انجمن‌ها شده است، نشانگر این است که در سند الگوی پیشرفت، بها دادن و ارج نهادن به اصول جمهوریت و دموکراسی جزء اهداف ترسیمی بوده است.

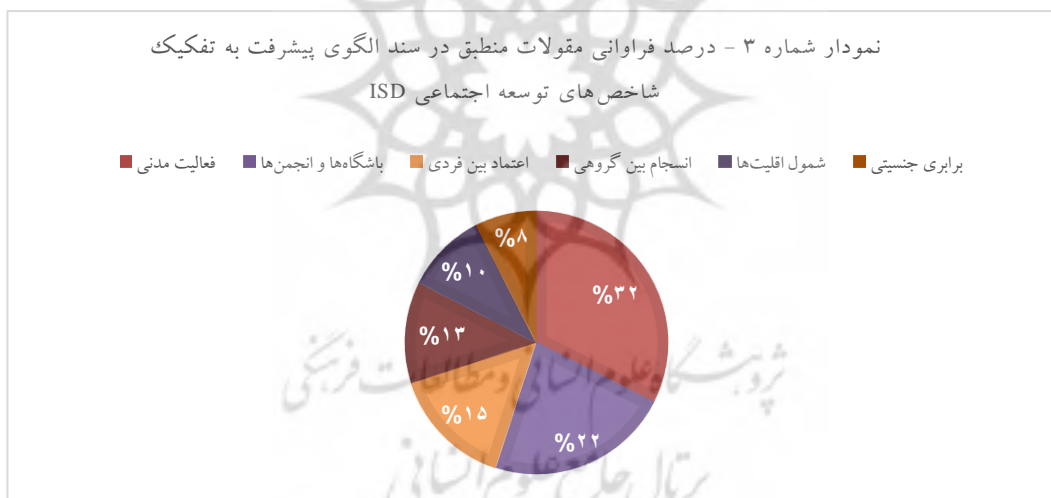
جدول شماره ۲- درصد فراوانی مقولات منطبق در هر یک از مضامین سند الگوی پیشرفت با

شاخص‌های توسعه اجتماعی ISD

مضامین سند الگوی پیشرفت	درصد
مبانی سیاسی	۸۳
مبانی اجتماعی	۷۷
مبانی حقوقی	۶۰
مبانی اقتصادی	۶۰
مبانی اسلامی	۱۷
مبانی علمی	۱۵
مبانی انقلابی	۰
مبانی فرهنگی	۰

جدول شماره ۳- درصد فراوانی تجمعی مقولات منطبق در سند الگوی پیشرفت به تفکیک مضامین بر اساس

شاخص‌های توسعه اجتماعی ISD



همانطور که در نمودار شماره ۲ به تفکیک ذکر شده، بیشترین میزان انطباق مقولات سند الگوی پیشرفت با شاخص‌های فعالیت مدنی و باشگاه‌ها و انجمن‌ها بوده است. همچنین بعد از آنها به ترتیب بیشترین میزان انطباق با شاخص‌های اعتماد بین فردی و انسجام بین گروهی بوده و کمترین میزان انطباق هم با شاخص‌های شامل اقلیت‌ها و برابری جنسیتی بدست آمده است.



۱۳	فعالیت مدنی
۹	باشگاهها و انجمنها
۶	اعتماد بین فردی
۵	انسجام بین گروهی
۳	برابری جنسیتی
۴۰	جمع کل

همچنین طبق آماری که در جدول شماره ۴ ذکر شده، از ۹۴ مقوله‌ی استخراج شده از سند الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی که در ۸ مضمون دسته بندی شدند، ۴۰ مقوله منطبق با شاخص‌های توسعه اجتماعی ISD مشاهده شد که جزئیات آنها به تفکیک در جداول و نمودارهای ۱ و ۲ و ۳ آمده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

از آنجا که سند الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت به مثابه میثاق‌نامه‌ای برای تمام ارکان نظام جمهوری اسلامی، سند معتبر و موجهی بشمار می‌رود، بایستی حاوی نگاه جهان‌شمول و همه جانبه‌ای بوده و بیانگر چارچوب و قالب کلی مسیر پیشرفت ایران در دهه‌های آینده در ضمن پرداختن به هر دو وجه مادی و معنوی پیشرفت انسان و تأکید بر هم‌سان سازی پیشرفت‌های علمی و اقتصادی با رویه‌ی رشد جهانی و همچنین اتکا بر دانش ملی باشد. نتایج بدست آمده از این پژوهش، گواه روشنی است بر خوش‌بینی و حسن‌ظن سیاست‌گذاران و تدوینگران سند الگوی پیشرفت. نتایج این پژوهش بیانگر دو نکته‌ی حیاتی می‌باشد: نخست شکاف موجود بین حرف تا عمل، بین سیاست‌گذاری تا اجرا، بین خوشبینی تا واقعیت و دوم غفلت و یا اغماض نسبت به برخی از اهم امورات.

بنابر یافته‌های این پژوهش بیشترین میزان انطباق با شاخص‌های توسعه اجتماعی ISD به ترتیب در مبانی اجتماعی، سیاسی، حقوقی، اسلامی، اقتصادی و علمی مشاهده شد و در مقولات مربوط به مبانی فرهنگی و انقلابی هیچ مورد منطبقی یافت نشد. همچنین بیشترین میزان پردازش مقولات سند الگوی پیشرفت به ترتیب به شاخص‌های فعالیت مدنی، باشگاه‌ها و انجمن‌ها، اعتماد بین فردی، انسجام بین گروهی، شمول اقلیت‌ها و برابری جنسیتی اختصاص داشت.

علیرغم تأکید موقد مفادی از سند الگوی پیشرفت بر نکاتی مانند توسعه برابری و عدالت، آزادی همراه مسئولیت، آزادی خواهی، جلوگیری از بروز تعارضات، شفاف سازی منابع مالی و هزینه‌های سیاستمداران، حق تعیین سرنوشت، عدالت مالیاتی و ریشه‌کنی فقر و فساد و تبعیض که در ذیل شاخص‌هایی چون فعالیت مدنی و باشگاه‌ها و انجمن‌ها قابل تعریف‌اند، اما همچنان شاهد آن هستیم که در مرحله عمل عنایت چندانی به آنها نمی‌شود. از آنجا که یکی از مهمترین مواضع پیگیری مسائلی مانند برابری، عدالت، مبارزه با فساد و تبعیض، آزادی بیان و... احزاب و انجمن‌ها هستند که ضمن کنشگری مدنی و مطالبه‌گری به آگاهی جمعی و تعدیل و اصلاح عملکرد دولت‌ها کمک می‌کنند، اما مشاهده می‌کنیم که اولاً فضای دو قطبی احزاب در سطح کلان، مجاللی به سایر احزاب برای مشارکت و فعالیت سازنده نمی‌دهد، ضمن اینکه بستر مناسبی هم با وجود عدم اقبال به فعالیت



آنها فراهم نمی‌باشد، بگونه‌ای که بخش عمده‌ای از نظریه‌پردازان معتقدند که در ایران، حزب به معنای واقعی آن موضوعیت ندارد. این پژوهش ثلثت می‌کند که اگرچه مسئله بها دادن به فعالان مدنی و مطالبات حزبی آنها جایگاه مشخصی در زمینه فکری سیاستگذاران جمهوری اسلامی دارد - کم‌اینکه بیشترین میزان پردازش مقولات سند الگوی پیشرفت به دو شاخص فعالیت مدنی و باشگاه‌ها و انجمن‌ها بود- اما در عمل این نیاز احساس می‌شود که بایستی فضای مساعدتر و متعادل‌تری برای فعالیت‌های مدنی و حضور سازنده احزاب و انجمن‌ها فراهم شود.

نکته‌ی مهم دیگری که از این پژوهش بدست آمد، غفلت در پرداختن به امور مهمی چون برابری جنسیتی و شمول اقلیت‌ها در سند الگوی پیشرفت است. بنظر می‌رسد برای یک نگاه متخاصم همین یک نکته کافی باشد تا سیاست‌های جمهوری اسلامی را متهم به نگاه جنسیتی و تبعیض قومی و مذهبی کند. شبهه‌ای که در اینجا مطرح می‌شود، نیاز به پاسخ روشنی دارد. اگرچه در سند الگوی پیشرفت، نگاه جنسیتی و یا تبعیضی به آن معنا وجود ندارد اما ضروری بنظر می‌رسد که برای فراگیر بودن مفاد این سند که منشا سیاستگذاری است، بایستی نگاه عادلانه و متعادلی برقرار باشد. در کشورمان مانند ایران که از تنوع قومی بسیار پویایی برخوردار است و مهد گردآوری تمدن‌ها و میزبان مذاهب مختلف است، نگاه تمام شمول در سیاستگذاری‌ها از تصویب تا اجرا، کاملاً ضروری بنظر رسیده و مطالبه همگانی است. همچنین استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود کشور در ارکان مختلف که پیش‌نیاز آن، تسهیل ورود بانوان بعنوان نیمی از توان، انرژی و استعداد جامعه ایرانی است، از الزامات ورود به میدان توسعه و پیشرفت است. به هر روی همانطور ترسیم چشم‌اندازها و سیاستگذاری‌ها مهم است، اولاً توجه به توان و پتانسیل موجود در کشور و ثانیاً عزم راسخ جهت عملی کردن آنها نیز ضروری و مهم است. ضمن اینکه توجه به تمام ابعاد موجود در اتخاذ تصمیمات و سیاستگذاری‌ها نیز به امکان اجرای بهتر و سازنده‌تر آنها کمک خواهد کرد.

سند الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت که با چشم‌اندازی تا سال ۱۴۴۰ ترسیم شده است، قطعاً می‌تواند - ضمن رعایت نکاتی که به اجرای بهتر آن کمک می‌کند - در مسیر آبادانی ایران اسلامی مفید و موثر تلقی شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع

- ۱) ازکیا، مصطفی (۱۳۷۹)، «جامعه شناسی توسعه»، انتشارات کلمه.
- ۲) اکبری، غضنفر (۱۳۸۰)، «وضعیت فعلی جامعه ایران با نظر به شاخص های توسعه اجتماعی»، مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳) رائی، س. م. م. و دیگران (۱۳۸۴)، «آرمان ها و اهداف توسعه هزاره»، گزارش گروه توسعه سازمان ملل متحد.
- ۴) زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۸۶)، «توسعه و نابرابری»، تهران، نشر مازیار.
- ۵) صالحی، بهروز، (۱۳۹۲). «تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت». فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۲(۳)، ۷۹-۱۰۴  
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23295599.1392.2.3.3.1>
- ۶) کشتکار، مهران و رحمدل، ناصر (۱۳۹۶). «شناخت رهیافت های امام خامنه ای در خصوص الگوی پیشرفت»، مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، دوره ۲، شماره ۵، صص ۱۶۶-۱۴۰.
- ۷) عزیزی، حسن، شفیعی، اسماعیل، & گلشنی، علیرضا. (۱۳۹۷). «تحقق توسعه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت». فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۶(۱۱)، ۱۵۷-۱۸۳. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23295599.1397.6.11.6.2>
- ۸) علیپور، جواد، پوررشیدی، هانف (۱۳۹۸) «تحلیل گفتمان سند اولیه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، سال هفتم پاییز و زمستان ۱۳۹۸ شماره ۱۶، صص ۱۴۰-۱۶۷.
- ۹) فاضلی، محمد، فتاحی، سجاد، و زنجان رفیعی، سیده نسترن. (۱۳۹۲). «توسعه اجتماعی، شاخص ها و جایگاه ایران در جهان». مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۲(۱)، ۱۷۱-۱۴۹. [SID. https://sid.ir/paper/246509/fa](https://sid.ir/paper/246509/fa)
- ۱۰) فیروزآبادی، سید احمد و حسینی، سید رسول و روح اله قاسمی، (۱۳۸۹)، «مطالعه شاخص ها و رتبه ی توسعه ی اجتماعی در استان های کشور و رابطه ی آن با سرمایه ی اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ی ۳۱، صص ۹۴=۵۷.
- ۱۱) مختاریان پور، مجید. (۱۳۹۵). «مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت». فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۴(۸)، ۳۰-۱۷۹. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23295599.1395.4.8.1.7.9-30>
- ۱۲) یحیایی ایله ای، احمد، (۱۳۹۲)، «تحلیل گفتمان چیست»، نشریه تحقیقات روابط عمومی، شماره ۶۰، ص ۹=۱.
1. Clasen, Jochen (2004). "Defining comparative social policy". A Handbook of Comparative Social Policy. Edward Elgar Publishing. ISBN 978-1-84064-886-7.
2. Heidenheimer, Arnold J.; Hugh Hecllo; Carolyn Teich Adams (1983). "Comparative Public Policy". St. Martin's Press. ISBN 978-0-312-00493-4.
3. Stiglitz, Joseph (2002) "Participation and Development: Perspectives from the Comprehensive Development Paradigm", Review of Development Economics.
4. World Bank (1994). "Helping Countries Combat Corruption", the Role of the World Bank, Washington DC.
5. <https://isd.iss.nl>



## A comparative study of the Iranian Islamic progress model in the Context of social development indicators

### Abstract

Development and progress is one of the main concerns of every country, which can be communicated to relevant institutions in the form of a document or a model. Considering the importance of the development-oriented approach in policy-making, the Islamic Republic of Iran system has also drafted the Iranian Islamic Model of Progress document, which has been compiled as a document on the development and progress of Iran in the coming years under political, social, economic, cultural, scientific and Islamic theoretical foundations. It aims to achieve the goals of development and promotion. This research, based on a comparative study, evaluates the conformity of the categories extracted from the progress model document with the social development indicators of ISD. The findings of this research tell us that the highest degree of conformity of the categories of this document is with the indicators of civil activity and clubs and associations, and the lowest degree of conformity is also with the indicators of gender equality and inclusion of minorities. According to the findings of this research, it seems that despite the importance given to indicators such as civil activity and clubs and associations in the model of progress document, in reality, the necessary platform for the free activity of civil activists is not provided. In addition, the lack of necessary processing of indicators such as gender equality and inclusion of minorities clearly shows the need to modify and adjust the gender and discriminatory view of this document..

### Keywords:

Iranian Islamic progress model, social development, civil activity, gender equality, comparative study.